

اخلاق و تکنولوژی اطلاعات

بعضی اصول برای راهنمایی دانشجویان

نگارش: سونیا بدی^۱

ترجمه: سید مهدی حسینی

مقدمه

کتابداران به صورت سنتی مسئول و نگهبان اطلاعات بوده‌اند. امروزه این نقش در حال عوض شدن است و کتابداران باید مسئول و نگهبان استفاده اخلاقی از فناوری اطلاعات باشند. این مقاله به چالش‌های اخلاقی استفاده از فناوری اطلاعات می‌پردازد و اصولی را برای راهنمایی دانشجویان خاطرنشان می‌کند و شیوه واکنش کتابداران را مورد بحث قرار می‌دهد. کتابداران در آستانه قرن ۲۱، که استفاده از فناوری اطلاعات روزبه‌روز بیشتر می‌شود، سعی می‌کنند به دانشجویان کمک کنند که از منابع الکترونیکی به صورت اخلاقی،

1. Bodi, Sonia. "Ethics and Information Technology: some Principles to Guide Students", *Journal of Academic Librarianship*, November, 1998, pp. 459-463.

منتقدانه و مسئولانه استفاده کنند. این مقاله در مورد امر مطلق^۱ کانت بحث خواهد کرد و اصول مورد نیاز برای راهنمایی در مورد تصمیم‌گیری و چند پیشنهاد عملی برای اجرای آنها را بیان خواهد کرد. ضمناً این مقاله محدود به فناوری اطلاعات در کتابخانه‌ها، به‌ویژه نمایه‌های الکترونیکی و اینترنت است.

چالش

سرقت ادبی و استفاده بیش از حد از منابع دست دوم، سوءاستفاده از مطالب چاپی است. فضای رایانه‌ای، به دلیل اینکه متن‌ها در آن آسان‌تر جابجا می‌شوند، در این زمینه مشکل‌سازتر است. علاوه بر این، دنیای آزاد الکترونیکی از بابت عدم احساس مسئولیت دانشجویان و پدیدآورنده متن و میل به سرقت ادبی مسئول است. دنیای الکترونیکی تلاش دارد در مورد رفتار سؤال‌برانگیز بر حسب جرم‌های بدون قربانی، به‌گونه‌ای فاقد بُعد اخلاقی اندیشه کند. نیل پستمن^۲، منتقد فناوری، می‌نویسد: «... به نظر می‌رسد که اطلاعات تمایزی بین اشیاء قائل نیستند، به فرد مشخصی اشاره نمی‌کنند، در حجم بسیار زیاد و با سرعت زیاد و بدون ارتباط به نظریه، معنا و یا هدف ظاهر می‌شوند».

ارنست کالمن^۳ چالش‌های ویژه‌ای که مربوط به مشکلات اخلاقی در استفاده از رایانه‌ها هستند را به‌صورت زیر خلاصه می‌کند:

- سرعت ارتباطات، روابط بین مردم را تغییر می‌دهد، زیرا فرصت تأمل در مورد احتمال استفاده غیراخلاقی را نمی‌دهد.

1. Categorical Imperative

2. Neil Postman

3. Ernest Kallman

- اطلاعات در شکل الکترونیکی خیلی آسیب‌پذیرتر از شکل کاغذی آن است، زیرا در حالت الکترونیکی اطلاعات خیلی راحت‌تر می‌تواند عوض شود و برای دستیابی غیرمسئولانه آسیب‌پذیرتر است.
- مسائل مربوط به حق مالکیت فکری، سرقت ادبی و حریم شخصی به موضوعات فعال روز تبدیل می‌شود.
- تلاش‌های مربوط به حفظ یکپارچگی اطلاعات، محرمانه‌بودن و در دسترس‌بودن، اغلب با تمایلات مربوط به بهره‌برداری مادی از اطلاعات در تضاد است.
- از آنجا که فناوری را نمی‌شود به‌طور کامل کنترل کرد، وسایل حفاظت از حق مؤلفان و مسئولیت‌پذیری در مقابل اعمال غیراخلاقی، ضعیف است. علاوه بر آن، محیط اجتماعی دنیای اطلاعات کاملاً با محیط اجتماعی دنیایی که مربوط به زندگی روزانه است، تفاوت دارد. ظاهراً جامعه به افرادی گفته می‌شود که دارای اهداف و علائق مشترک هستند، اما از نظر عملی جامعه به مجاورت فیزیکی گفته می‌شود. در اینترنت همه افراد می‌توانند به یک اندازه سخن بگویند، اما از آنجا که هر فردی، بدون در نظر گرفتن اینکه فردی عضو جامعه فیزیکی است که در آنجا ارتباط چهره‌به‌چهره مقدور است، می‌تواند با دیگری ارتباط برقرار کند، بنابراین جامعه‌ای حقیقتاً بدون مراقبت است. ناشناس‌بودن و در نظر نگرفتن فاصله زمانی و مکانی، مشکل پرداختن و توجه به دیگران را افزایش می‌دهد. اینترنت به جای ساختن جامعه، انزوا را رواج می‌دهد.

همچنین مالکیت فکری در محیط الکترونیکی جایگاه ویژه‌ای دارد. [اطلاعات الکترونیکی] مثل اموال فیزیکی در محیط فیزیکی نیست، اما در هر صورت دارایی است. دیوید جانسون^۱ عنوان می‌کند که بزرگی و کوچکی همزمان فرآورده‌های فکری در فضای رایانه‌ها مشکلات جدی به وجود آورده است. به عنوان مثال آیا پیام‌های پست الکترونیکی به همان صورت که مقدار زیادی از بیت‌های کوچک در بعضی انواع آثار چندرسانه‌ای مورد توجه است، مورد توجه قرار می‌گیرد؟

بعضی مسائل و مشکلات اخلاقی که مربوط به فناوری است کاملاً جدید است و بعضی هم جنبه‌های تغییر یافته ارزش‌های مرسوم گذشته است؛ مثل صداقت، مسئولیت، اعتماد، تعهد و انصاف. اگر استانداردهای اخلاقی مهم هستند، و این مقاله فرض می‌کند که مهم هستند، دانشجویان چگونه بدانند که رفتار اخلاقی بر چه ساختار و مبنایی است؟ چگونه یک مسئله اخلاقی را به خاطر آورند و چگونه عمل درست را انجام دهند؟ حتی ممکن است کتابداران سؤال کنند که آیا استاندارد مرسوم رفتار، در دنیای فناوری کاربرد دارد؟ یا آیا برای مفاهیم حریم خصوصی و مالکیت فکری تعاریف جدیدی مورد نیاز است؟

از آنجا که برای کنترل اکثر رفتارها قانون وجود دارد، ممکن است کسی سؤال کند پس چرا مشکل اخلاقی وجود دارد؟ اما آنچه قانونی است ضرورتاً دارای ماهیت اخلاقی نیست و اصول اخلاقی‌ای مانند عدالت و انصاف وجود دارند که تحت پوشش قانون قرار نگرفته‌اند. مثلاً قانون حق مؤلف از یک ایده یا مفهوم و یا عبارت نویسنده‌ای در

1. David Johnson

برابر نسخه‌برداری غیرقانونی حمایت می‌کند، اما از به‌کاربردن خود ایده و مفهوم حمایت نمی‌کند. اغلب اوقات تمیز بین مفهوم و عبارت مشکل است؛ بنابراین حتی در قانون ابهام وجود دارد. در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها خط‌مشی‌هایی برای حق مؤلف، سرقت ادبی و نتایج بی‌احترامی به قوانین اخلاقی وجود دارد. بسیاری از رشته‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای نیز اصول اخلاقی خاص خود را دارند. به هر صورت اگر به‌طور کلی پژوهش مربوط به دانشجویان کنونی، نسل x یا سیزده‌ساله‌ها درست باشد، این دانشجویان ضرورتاً قوانین و مقررات را رعایت نمی‌کنند، مگر اینکه تأثیر مستقیم و معنای واقعی آن را در زندگی خودشان مشاهده کنند. به‌علاوه این نسل، حداقل از دهه ۱۹۶۰ به بعد، ارزشی برای مؤلف قائل نیست. ممکن است ارتباط عمیق بین قانون و ضمانت اجرایی کارساز نباشد، اما شاید تدریس اصول اخلاقی به دانشجویان به جای کنترل خارجی، باعث کنترل درونی آنها بر اعمالشان و درک عملی قانونی باشد که مورد نیازشان است.

جواب

مشکلات اخلاقی طبیعتاً پیچیده‌اند و به آسانی قابل حل نیستند. برای قراردادن رفتارها در یک سیاق فلسفی، این مقاله امر مطلق ایمانوئل کانت را مطرح می‌کند که می‌گوید: هرگز با انسانی دیگر به‌عنوان یک وسیله رفتار نکن، بلکه به‌عنوان یک هدف با آن رفتار کن. کانت در امر مطلق خود ادعا می‌کند که این اصل در تمام زمینه‌های اخلاقی از جمله فلسفه قانون، شرط اخلاقی صداقت فرد و وظیفه شخص در قبال دیگران است. طبق نظر کانت، «امر» شامل

بایست‌ها^۱ است. یک «امر» می‌گوید که عملی ویژه برای انجام‌دادن مناسب است، اما به اراده می‌گوید که چیزی را به صرف اینکه خوب است انجام ندهد. یک امر مطلق، به‌عنوان عملی که خودش به‌طور معقول ضروری است، مطرح می‌شود نه وابسته به هدفی دیگر. این یک اقدام عملی مربوط به اراده است. در امر مطلق کانت، اصل ثبات (چه می‌شود اگر همه اینطور عمل کنند؟) و اصل احترام (آیا مردم به‌عنوان هدف با هم برخورد می‌کنند یا به‌عنوان وسیله؟) وجود دارد. اصل ثبات از مردم می‌خواهد که در همه اعمالشان مهربان و بی‌طرف باشند؛ یعنی با دیگران به‌صورت عادلانه رفتار شود و همچنین از آسیب‌رساندن به دیگران خودداری شود. اصل احترام بیان می‌دارد که با افراد دیگر متناسب با شأن آنها برخورد شود، همان‌طور که با خود اهداف برخورد می‌شود. من اخلاق کانتی را به این دلیل انتخاب کرده‌ام که اصل احترام را بر تفاوت‌های جنسی و قومی برتری می‌دهد، چیزی که در دنیای پست‌مدرن^۲ یک ارزش است. اخلاق او عبارت است از احترام به مردمی که وجود دارند و سرزنش کردن استثمار. کانت آنچه را که می‌توان از دانشجویان و از همدیگر پرسید، بیان می‌دارد: «اگر هرکس کاری را که من انجام می‌دهم انجام دهد، آن وقت دنیا چه خواهد شد؟». برای مثال «قانون طلایی» [با دیگران آنگونه رفتار کن که دوست داری دیگران با تو رفتار کنند] با اخلاق کانتی همگام است. طبیعی‌ترین ویژگی یک عمل، انگیزه آن عمل است و نتایج آن کمتر چنین است. در حالیکه ممکن است دانشجویان به قوانین، خط‌مشی‌ها و اصول احترام نگذارند مگر اینکه هدف آنها را دریابند، آنها می‌توانند اصول اخلاقی‌ای را که در موقعیت‌های اخلاقی در مورد ایشان صادق‌اند، درک کنند.

تصمیم‌گیری اخلاقی مستلزم تصمیم منطقی است. دبورا جانسون^۱ با دلیل ثابت می‌کند که تحلیل فلسفی منتج از قضیه‌ای که دلایلی برای اعتقادات اخلاقی است، باید مورد آزمایش قرار گیرد. در تحلیل اخلاقی ابتدا دلایل به صورت بندبند بیان می‌شوند و سپس با دید انتقادی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در مورد اخلاق تا اندازه‌ای ابهام وجود دارد، زیرا موازنه و سنجش بین علائق مخالف هم وجود دارد: برای مثال حقوق مالکیت فکری در کجا تمام می‌شود و کجا حقوق یک پژوهشگر آغاز می‌شود؟ هر کتابداری که در مورد قانون حق مؤلف به اساتید دانشکده آگاهی می‌رساند این تجربه دست اول را دارد. ریچارد اسپینلو^۲ این سؤال را مطرح می‌کند که ما چگونه می‌توانیم بین اطلاعات عمومی و اطلاعات خصوصی که در یک شبکه قرار دارند تمایز قائل شویم. اخلاق جزو علوم دقیقه نیست، اما پرسش اخلاقی پایه‌ای می‌شود برای انتخاب اعمال مناسبی که بر اصولی مستدل و دلایلی مستحکم و منطقی بنیان گذاشته شده است.

اصول

رفتار اخلاقی از ارزش‌های اجتماعی برمی‌خیزد و جامعه دانشگاهی از مشارکت در پروژه‌های روشنفکرانه که بر مبنای امانت‌داری و تحقیق استوار باشد، استقبال می‌کند. این جامعه دانشجویان و متفکران برای ایده‌ها و تفکرات دیگران و نیز تفکر مستقل ارزش قائل است و اجازه نمی‌دهد که دیگران به جای آنها فکر کنند. برای کمک و راهنمایی دانشجویان در یادآوری موضوعات اخلاقی هنگام استفاده از فناوری اطلاعات به‌منظور پژوهش و نیز

1. Deborah Johnson

2. Richard Spinello

تصمیم‌گیری درست، امر مطلق کانت را می‌توان مبنای چهار اصل زیر قرار داد:

- مالکیت؛
- حق حریم خصوصی؛
- مسئولیت اجتماعی؛ و
- احترام به خود.

دو اصل اول به مالکیت و دارایی مربوط می‌شوند و دو اصل دوم به امانت‌داری و صداقت.

اصل احترام به مالکیت

بحث در مورد موضوع اطلاعات به‌عنوان کالا یا حق ادامه دارد. آنهایی که به اطلاعات به چشم کالا نگاه می‌کنند، عقیده دارند که هر کسی می‌تواند از تلاش فکری و ذهنی خودش سود به‌دست آورد و بازار تعیین‌کننده میزان پرداخت دیگران در قبال استفاده از آن خواهد بود. این اصول توسط شبکه‌های اطلاعاتی و خدماتی که بابت آنها باید پول پرداخت شود، مورد استفاده قرار می‌گیرند. آنهایی که معتقدند اطلاعات حق افراد است عقیده دارند که اطلاعات بایستی به‌صورت آزاد و به‌طور مساوی برای هر کس که نیازمند آن است، فراهم باشد. نگرش عمومی در مورد استفاده از اطلاعات الکترونیکی این است که اطلاعات در اختیار همگان است و نباید به‌صورت دارایی خصوصی نگهداری شود.

در تأیید این نکته ساندرای اوکانر^۱ عقیده‌اش را درباره خدمات تلفن چنین بیان می‌دارد: «اینکه بیشترِ حاصلِ خلاقیت افراد ممکن

1. Sandra Day O' Connor

است بدون پرداختِ وجهی مورد استفادهٔ دیگران قرار گیرد، ممکن است ناخوشایند باشد. اما این چیزی نیست که قبلاً نظیر آن دیده نشده باشد. این جوهرِ واقعی نظام است.» قانون مالکیت فکری از حق نویسندگان در مورد بیانات و گفته‌های اولیهٔ آنها حمایت می‌کند، اما دیگران را تشویق می‌کند که بر اساس استفادهٔ آزادانه از آنها، چیزهای تازه بیافرینند. این نتیجه، ناخوشایند و نامناسب نیست. از این طریق قانون مالکیت فکری با توجه به پیشرفت علوم و هنرها، رشد می‌کند. وقتی ما به مؤلفان و ناشران حقوق ویژه‌ای اعطا می‌کنیم، در عوض اطلاعات را در معرض استفادهٔ عموم قرار می‌دهیم. توازن بین استفادهٔ درست به‌منظور کسب دانش و رعایت حق فردی دارندگان حق مؤلف مسئلهٔ پیچیده‌ای است. کدام‌یک بهترین خدمت را به انسان ارائه می‌دهد؟ آیا برای هر دو طرف مناسب و خوشایند است؟ به‌طور دقیق‌تر دو نظریهٔ متضاد دربارهٔ حق مؤلف عبارتند از:

○ حق تألیف «حق مالکیت طبیعی و قانونی پدیدآورنده به

دلیل خلایقیتش است».

○ «حق تألیف فقط اعطای درجه با دامنهٔ محدود بر اساس

قانون است».

نظریهٔ اول طرفدار جدی اخلاق و عدالت و انجام وظایف در مقابل افراد خلاق است. نظریهٔ دوم یک حق قانونی است: افراد دارای حق تألیف می‌توانند تکثیر کردن اثر، مشتق کردن اثر از آن، توزیع نسخه‌های برداشت‌شده از آن، اجرا و یا به نمایش گذاشتن اثر را محدود کنند. البته در کتابخانه‌ها، کلاس‌ها و مکان‌های دیگری که به‌منظور استفادهٔ صحیح برای آموزش، دستیابی را برای چنین کارهایی

فراهم کنند، این حق بخشیده و یا تخفیف داده می‌شود. قانون حق تألیف مربوط به خود ایده نیست، اما مربوط به نحوه بیان و جمله‌بندی ایده است که راهی منطقی برای ایجاد توازن بین حق مالکیت شخصی و کالاهای عمومی است.

کشمکش بین ارزش‌ها، حریم و حقوق فردی و همچنین نیازهای اشتراک مساعی اجتماعی را در بر می‌گیرد. کارول گلد^۱ دو اصل را برای رفع این کشمکش پیشنهاد می‌کند:

○ رضایت آگاهانه و آزادانه؛

○ دستیابی مساوی به اطلاعات.

جستجوی معمولی به منظور دستیابی به حقیقت نیازمند مشارکت آزادانه و داشتن امکانات دستیابی برابر به اطلاعات است. در چنین هنجاری، تقلب، سرقت، فریبکاری، سرقت ادبی و خودداری از ارائه نتایج پژوهش به دیگران جزو رفتارهای غیرقابل قبول است.

نیازی نیست که دانشجویان یکی از دو دیدگاه را در مورد مالکیت فکری انتخاب کنند و بر دیگری ترجیح دهند؛ هر دو کاربرد دارند. باید دانشجویان را در استفاده از ایده‌های دیگران به منظور کسب دانش، رفع اشتباه و یا کشف بیشتر تشویق کرد، اما آنها باید همیشه به خاطر داشته باشند که اعتبار دادن (استناد) و در صورت امکان کسب مجوز برای استفاده از ایده‌های خلاق دیگران، کاری اخلاقی است. این رفتار بر امر مطلق کانت استوار است که می‌گوید هرگز با دیگران تنها به عنوان یک وسیله رفتار نکن بلکه همیشه به عنوان یک هدف رفتار کن.

اصل احترام به حقوق فردی

حقوق فردی از اصول مربوط به مالکیت است. به طور کلی آدم فکر می‌کند که حقوق فردی مانند تاریخ و سرگذشت فرد است، اما حقوق فردی به وسیله استفاده از کتابخانه تقسیم می‌شود. همان‌طور که فرد تصمیم می‌گیرد که چه کسی حق شرکت یا آزادی عمل در فعالیت‌ها و یا شور بررسی‌هایش را دارد. گلد می‌گوید که حقوق فردی و آزادی به هم مربوط هستند، زیرا نمی‌توان یک فرد را در کاری که نمی‌خواهد یا آمادگی ندارد، مجبور به مشارکت کرد.

از آنجا که محققان از طریق شبکه‌ها با هم ارتباط دارند، پژوهش فردی در معرض تقلب، سرقت ادبی و ناخنک‌زدن قرار دارد. محققان به طور قابل ملاحظه‌ای از ارائه ایده‌های خود در شبکه بی‌مناک‌اند، مگر زمانی که کار آنها مورد حمایت قرار گیرد. گلد اصل رضایت آزادانه و آگاهانه را بیان می‌کند؛ پژوهشگر باید از پدیدآورنده مجوز دریافت کند و پدیدآورنده حق دارد مالکیت فکری خود را کنترل کند.

اصل احترام به مسئولیت اجتماعی

در دنیای فناوری - جایی که به نظر می‌رسد هیچ سازمان انسانی‌ای خود را درگیر نمی‌سازد - مسئولیت اجتماعی و مراقبت از نتایج اعمال ما کاهش می‌یابد. چگونه یک کالای بی‌جان می‌تواند مخرب باشد؟ فناوری با توجه به جذابیتی که دارد، می‌تواند تضعیف‌کننده رفتار اخلاقی باشد، در حالیکه این رفتار بین افراد است نه فرد و کالا. زمانی که کلمات از طریق یک نفر وارد رایانه می‌شوند، در کل فضای شبکه‌های رایانه‌ای در تمام دنیا قابل دسترسی هستند و راه مطمئنی که یک نفر آنها را کنترل کند وجود ندارد. رعایت کردن

این اصل در متن و فضای جامعه ممکن است دانشجویان را در درک دنیای مجازی که متفاوت با دنیای عادی است، راهنمایی کند. کلیفورد استول^۱ در "Silicon snake oil: second thought in the information highway" می‌نویسد که شبکه‌ها جوامع تعاونی هستند و اینترنت یک همسایه است. علاوه بر آن در مورد رایانه‌ها می‌نویسد، «آنها ما را از یکدیگر جدا می‌کنند و درک ارزش و معنای تجربه واقعی را از ما سلب می‌کنند». اگرچه محیط جامعه اینترنتی کاملاً با دنیای فیزیکی تفاوت دارد، همان‌طور که در بالا بحث شد، استعاره «جامعه افراد واقعی» امر مهمی است. جامعه اینترنت دارای افراد واقعی است که مالکیت فکری واقعی را خلق می‌کنند و صاحب آن هستند. اجرای امر مطلق کانت، دانشجویان را قادر می‌سازد که شباهت‌ها و تفاوت‌های دو جامعه را درک کنند.

اصل احترام به خود

اکثر افراد از مورد استفاده قرارگرفتن به‌عنوان کالا و وسیله، اظهار تنفر می‌کنند و با دیدگاه کانت در مورد رفتار اخلاقی موافق‌اند. بنابراین نتایج به‌کاربردن ایده‌های دیگران توسط دانشجویان چه به‌صورت کلی و چه به‌صورت ناخن‌زدن، موقعیت اجتماعی دانشجویان را در میان دانش‌پژوهان و متفکران به خطر می‌اندازد.

همچنین اصل احترام به خود، دانشجویان را پند می‌دهد که بدون در نظر گرفتن درستی، کیفیت و کامل بودن، هرچه را که در منابع به‌صورت آماده فراهم است مورد اعتماد و رضایت قرار ندهند. بسیاری از دانشجویان فراموش می‌کنند که مجله‌های علمی معتبر

1. Clifford Stoll

دارای هیئت داوران هستند که در مورد آنچه که باید منتشر شود تصمیم می‌گیرند. پس چه اهمیتی خواهد داشت اگر کتابداران به دانشجویان بگویند اطلاعاتی که آنها از اینترنت می‌گیرند توسط هیچکس کنترل نخواهد شد. بعضی افراد به هر چیزی که در دسترس است، اگرچه غلط، ناقص و یا گمراه‌کننده باشد و موجب کاهش حرمت خودشان شود، تن می‌دهند؛ در حقیقت آنها حد وسط را قبول دارند. گری مارچونیونی^۱ می‌گوید که حتی اگر منابع در دسترس باشند، باز برای اینکه دانشجویان آن را ملاحظه، پردازش و درک کنند زمان لازم است و او یقین ندارد که آنها قبول داشته باشند استعدادشان بازتاب تفکر دیگران باشد و در آنها حل شود.

پیشنهادات عملی

پیشفرض این مقاله این است که کتابداران به‌طور کلی نگهدارنده اخلاق و فناوری اطلاعات هستند. در یک مطالعه که روی موضوعی مشابه در دانشگاه توفتس^۲ به‌صورت پیمایش دانشجویان و اساتید در مورد اینکه چه کسی مسئول اصلی آموزش به دانشجویان برای ارزشیابی منابع انتشار یافته و دوری از به‌کاربردن آثار تحریف‌شده و فریب‌آمیز است صورت گرفت، ۵۲/۲٪ اساتید فکر می‌کردند که اساتید باید مسئول اینکار باشند؛ ۴۱۵/۷ فکر می‌کردند که کتابداران باید دارای این مسئولیت باشند؛ و ۷٪ فکر می‌کردند که هیچکدام مسئولیتی ندارند. در کل ۶۸/۴٪ دانشجویان جواب دادند که فقط اساتید باید مسئولیت را به عهده بگیرند؛ ۴/۱٪ گفتند که مسئولیت آن به عهده خود افراد است نه به عهده اساتید یا کتابداران. به‌نظر

1. Gary Marchionini

2. Tufts

می‌رسد انتظار بر این است که کتابداران در این مسئولیت با اعضاء دانشکده شریک هستند.

کتابداران اغلب برای تدریس به دانشجویان از نظر زمان در محدودیت قرار دارند، مگر اینکه یک دوره از پیش تعیین شده برای تدریس توسط کتابداران از طرف مقامات مسئول در نظر گرفته شود که این اصول اخلاقی و دیگر موارد را بیان کنند. حالا هم به شیوه‌های مختلف، کتابداران رفتارهای غیراخلاقی دست اولی را از دانشجویان می‌بینند. چگونه آنها می‌توانند این مشکل پیچیده را تبیین کنند؟ یک نفر ممکن است کار را با فیلم ویدئویی ۱۲ دقیقه‌ای « A shared set of values: Copyright and intellectual property in the Academic community » شروع کند که ارزش‌های قانونی اخلاقی را بیان می‌کند و می‌تواند به عنوان مقدمه یک بحث جذاب و زنده به کار رود.

علاوه بر این، سؤال‌های زیر ممکن است به دانشجو کمک کند که مشکل اخلاقی را به خاطر آورد:

- آیا عمل غیرقانونی است؟ (پس ممکن است غیراخلاقی باشد).
- آیا به قوانین و اصول اخلاقی آسیب می‌رساند؟
- آیا وجدان خودتان را ناراحت می‌کند یا ارزش‌های خودتان را مورد حمله قرار می‌دهد و به اصول یا افرادی که در اطراف شما هستند آسیب می‌رساند؟
- آیا از هر جهتی به نظر می‌رسد که به فردی آسیب برساند (آن فرد ممکن است شما باشید).
- آیا اگر این کار عمومی شود، مثلاً در روزنامه دانشجویان چاپ شود، ادامه خواهد داشت؟

در نهایت اینکه تدریس از طریق مقایسه یا مطالعات موردی روشی ثابت شده است. سه مثال زیر مطالعات موردی ای هستند که تجارب معمولی کتابداران و اساتید را، نمونه‌وار، ارائه می‌دهند. بسیاری از دانشجویان از بحث‌های گروهی کوچک یاد می‌گیرند و تجارب را به دیگران ارائه می‌دهند و این مطالعات موردی می‌توانند در گروه، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. سؤال‌های قبلی که به‌منظور یادآوری مسائل اخلاقی به دانشجویان مطرح شدند، در این مطالعه‌های موردی و موارد دیگر نیز کاربرد دارند. همچنین در این سه مورد سؤال‌های دیگری نیز می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند، مانند:

- موضوع اخلاقی چیست؟
- در اینجا چه اصولی ممکن است کاربرد داشته باشند؟

مورد اول

یک استاد بازاریابی مقاله‌ای را برای کلاس بازاریابی بین‌المللی تعیین کرده است. دانشجویان به‌صورت تصادفی از داخل یک کلاه اسم کشور و از داخل کلاه دیگری اسم کالای تولیدی را برمی‌دارند. پروژه عبارت است از پژوهش در مورد چگونگی فروش کالای انتخاب‌شده در کشور انتخاب شده. استاد برای یک جلسه تدریس کلاس را به کتابخانه می‌آورد و کتابدار تعدادی از منابع چاپی و دیسک‌های فشرده را به‌عنوان منبع اطلاعاتی یا به‌منظور ارجاع به کتاب‌ها و مقالات مربوطه به دانشجویان نشان می‌دهد. همچنین به آنها یاد می‌دهد که چگونه اطلاعات مربوط به کشور و تولید را از شبکه جهانی پیدا کنند. استاد دانشجویان را به استفاده از شبکه

تشویق می‌کند و کتابدار احتیاط‌های لازم در مورد استفاده اقتصادی از وبسایت‌ها را توضیح می‌دهد. پروژه ما تمام شده و تحویل داده می‌شود. استاد در مورد یکی از مقالات متوجه چیز عجیبی می‌شود و از چند همکار درباره آن سؤال می‌کند. زیر کلمات به طور اتفاقی خط کشیده شده است، اما ظاهراً دلیل منطقی‌ای برای این کار وجود ندارد، زیرا اینها کلمات و عبارات خارجی نیستند. همچنین کلماتی نیستند که باید روی آنها تأکید شود و عنوان هیچ چیزی نیستند. استاد نزد کتابدار می‌آید و کلماتی را که زیر آنها خط کشیده شده است با اتصال به وبسایت مشخص می‌کند. ظاهراً دانشجو از یک سایت نسخه‌برداری کرده است و آن را در مقاله خود به کار برده است، بدون اینکه به منبع مورد استفاده استناد کند و یا زحمت غلط‌گیری نمونه چاپی را به خود بدهد.

استاد و کتابدار نه تنها برای روبه‌رو شدن با این سرقت ادبی، بلکه برای کمک به دانشجو که رفتار غیراخلاقی خود را تکرار نکند، چگونه باید عمل کنند؟

مورد دوم

یک استاد تاریخ برای همه کلاس‌هایش به‌طور وسیع از اینترنت استفاده می‌کند. او اعلام می‌کند که مقاله پژوهشی دانشجویان در شبکه وجود دارد و باید آن را بخوانند و نقد کنند. بعداً دانشجویان باید مقاله خود را دوباره نویسی کنند و نظرات سایرین را در آن رعایت کنند. یکی از کلاس‌های استاد، تاریخ جهان است. امسال کلاس از افرادی سرزنده-گروه عاشق‌خنده و سرگرمی- که سال دوم هستند، تشکیل شده است که دارای رفتار قالبی نابخردانه‌ای هستند.

یکی از دانشجویان فکر می‌کند که اگر مقاله‌ی یکی از دوستانش را به اسم دیگری به وب بفرستد، سرگرمی‌جالبی است. مدت کوتاهی بعد از ارسال، استاد تاریخ مقاله را در وب می‌بیند و نویسنده را به سرقت ادبی متهم می‌کند. دانشجوی متهم در موقعیت خیلی بدی برای دفاع از خود قرار می‌گیرد، زیرا از «شوخی» خبر ندارد. فرض شده بود این کار شوخی است، اما چه کسی لطمه می‌بیند؟ آیا استاد در مقابل این عمل مسئولیتی اخلاقی به عهده دارد؟

مورد سوم

یک استاد انگلیسی، برای تدریس انشای انگلیسی سال اول، یک نیمسال کامل با گروه ثابتی از دانشجویان بوده است. او به خوبی همه ۲۵ دانشجویش را می‌شناسد و مشکل چندانی در شناخت سبک نوشتن افراد ندارد. موضوع مقاله مورد نیاز برای پایان ترم، اختیاری است. مقاله سر وقت تحویل داده می‌شود و استاد هنگام مطالعه یکی از آنها متوجه می‌شود که سبک نگارش طوری است که هرگز قبلاً آن را در این کلاس مشاهده نکرده است. به اسم دانشجو نگاه می‌کند و مطمئن می‌شود که وی قبلاً هرگز به این روشنی و زیبایی نوشته است. او دانشجو را به اتاقش فرامی‌خواند و مستقیماً [در این باره که آیا او خودش این مقاله را نوشته است] از او سؤال می‌کند. [دانشجو در جواب می‌گوید:] «البته که مال خودم است، چرا باید شما چنین سؤالی از من پرسید؟». استاد جواب می‌دهد: «هیچکدام از انشاهای قبلی شما سبک نگارشش شباهتی به این [مقاله] ندارد». دانشجو ناراحت می‌شود و می‌گوید که «کار خودم است». استاد به کتابخانه می‌آید و از کتابدار برای پیدا کردن منبع این مقاله کمک می‌خواهد. با وارد کردن کلمات کلیدی در LEXIS/NEXIS، منبع مقاله دانشجو را

پیدا می‌کند: یک مقاله در مجله Glamour که دانشجو به‌طور کامل آن را رونویسی کرده است. استاد دانشجو را به اتاق فرامی‌خواند و مقاله‌اش را و منبع آن را به دانشجو نشان می‌دهد. جواب دانشجو این است: «چرا این کار را با من کردید؟».

استاد و کتابدار چگونه می‌توانند به دانشجو کمک کنند که موضوعات اخلاقی را به خاطر آورد و با قبول مسئولیت، آثار تحلیلی و انتقادی ارائه دهد؟

نتیجه

در حالیکه سرقت ادبی در محیط چاپی یک مشکل همیشگی شده است، سرقت ادبی و سوءاستفاده‌های دیگر از اطلاعاتِ منحصر به فرد در محیط الکترونیکی، وضع بدتری دارد. به‌نظر می‌رسد که دانشجویان قوانین و یا خط‌مشی‌های محیط دانشگاهی در مورد سرقت ادبی و دیگر سوءاستفاده‌ها از فناوری اطلاعات را جدی نمی‌گیرند و کتابداران و اساتید هنوز در مرحلهٔ روبه‌رو شدن با چالشِ ایجاد انگیزه در دانشجو برای پذیرشِ اینک‌ه امانت‌داری و تحقیق، در جامعهٔ دانشگاهی جزو کمالات است، قرار دارند. این مقاله امر مطلق کانت را پیشنهاد می‌کند: هرگز فرد دیگر را به‌عنوان وسیله به کار نبرید، بلکه همیشه به‌عنوان یک هدف با آن رفتار کنید. [امر مطلق کانت] می‌تواند به دانشجویان کمک کند که استفاده از اطلاعات را یک موضوع مورد احترام خود و دیگران بدانند. به‌کاربردن اصولی مانند مالکیت، حق حریم خصوصی، مسئولیت اجتماعی و احترام به خود در متن یک فلسفهٔ اخلاقی، ممکن است راهی مؤثرتر و معنادارتر برای تغییر رفتار دانشجویان باشد.